



بسم الله الرحمن الرحيم

بحثمان درباره طرق ثبوت هلال بود که اولین طریق رؤیة المكلف نفسه می باشد که روایات مربوط به آن را نیز خواندیم ولی دو مطلب در اینجا باقی مانده؛ اول اینکه صاحب جواهر در جلد ۱۷ ص ۳۱۰ بعد از ذکر آیه؛ «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» و ذکر سنت مستفیضة ی؛ «صم للرؤية وأفطر للرؤية» و ذکر اجماع بقسمیه بر اینکه با رؤیت ثابت می شود و باید روزه بگیریم و یا إفطار کنیم ایشان فرموده اند؛ «خلافاً لما عن بعض العامة من عدم صوم مفرد بقطعه» اگر مفرد ماه را ببیند در آخر ماه واجب نیست که افطار کند و در اول ماه نیز واجب نیست که روزه بگیرد إلاً فی جماعة الناس و هو محجوجٌ آی مردودٌ بالكتاب و السنة و الإجماع یعنی این قول از عامه وجود دارد که رؤیت یک نفر را حتی برای خودش هم کافی نمی داند ولی ما کافی می دانیم و دلیلش هم خبر ۱ و ۲ از باب ۴ از ابواب احکام شهر رمضان می باشد، خبر ۱ این خبر است: «محمد بن علی بن الحسين بإسناده عن علی بن جعفر، أنه سأل أخاه موسى بن جعفر (ع) عن الرجل يرى الهلال في شهر رمضان وحده لا يبصره غيره، أله أن يصوم؟ قال: إذا لم يشك فليفطر وإلاً فليصم مع الناس». اسناد شیخ صدوق به علی بن جعفر صحیح است خبر سنداً صحیح می باشد و همانطور که می بینید این خبر دلالت دارد بر اینکه اگر شخصی یقین دارد که هلال ماه شوال را دیده برای خودش ثابت است فلیفطر وإلاً اگر شک دارد فلیصم مع الناس.

خبر دوم از این باب ۴ این خبر است: «و رواه علی بن جعفر فی کتابه عن أخیه، قال: سألته عن من يرى الهلال شهر رمضان وحده لا يبصره غيره، أله أن يصوم؟ فقال: إذا لم يشك فيه فليصم وحده وإلاً يصوم مع الناس إذا صاموا». دلالت این خبر نیز برمانحن فیهِ روشن است، این اولین مطلبی بود که درباره رؤیت باقی مانده بود.

مطلب دوم این است که آیا رؤیت با چشم مسلح (مثل رؤیت با تلسکوپ) کافی و حجت است و شامل؛ صم للرؤية وأفطر للرؤية می شود یا اینکه هلال ماه فقط باید با چشم مسلح باشد؟ آقای خوئی(ره) با اینکه در مسئله رؤیت هلال وحدت افق را مؤثر نمی دانند ولی رؤیت با چشم مسلح را نیز حجت نمی دانند زیرا ایشان قائلند که اخبار منزل بر آنچه که متعارف بوده می باشند و متعارف در آن زمان دیدن با چشم غیر مسلح بوده بلکه اصلاً وسیله ای وجود نداشته که بخواهند با آن رؤیت کنند.

به نظر بنده این حرف درست نیست زیرا بعد از اینکه ما گفتیم موضوع نفس تشکل ماه به شکل هلال است این هلال ماه یک امر واقعی می باشد و حکم برواقع مترتب می شود چه بدانند و چه ندانند چه ببینند و چه نبینند.

بعضی ها نیز اشکال کرده اند و گفته اند که اگر رؤیت با چشم مسلح کافی و حجت باشد مواردی وجود دارد که اشخاص نمی توانند ملتزم به احکام باشند من جمله اینکه اگر انسان با میکروسکوپ به شیری که از گاو دوشیده شده نگاه کند ذرات ریزی از خون را در آن می بیند که به صورت عادی قابل رؤیت نیستند خوب در این صورت نیز ما می گوئیم حکم مترتب بر واقع می باشد و حکم واقعی خون، نجاست است حالا اگر کسی با میکروسکوپ این خون را دید واقع برایش معلوم شده و باید به آن ملتزم گردد ولی اگر شخص دیگری با چشمان عادی نگاه کرد و خون را در شیر ندید باز برایش حجت است و می تواند حکم به طهارت آن شیر کند و به آن ملتزم گردد زیرا کل شیء لک طاهر حتی تعلم أنه نجس.

باز اشکال شده که در بحث حد ترخص برای مسافر گفته شده ملاک خفاء جدران است در حالی که اگر رؤیت با چشم مسلح میزان باشد با دوربینها و یا تلسکوپ های مخصوص حتی می توان از فاصله ای بیشتر از حد ترخص نیز دیواره های شهر را دید پس در این صورت باید بگوئیم که هنوز از حد ترخص خارج نشده و نمازش کامل می باشد، در جواب از این اشکال عرض می کنیم در مسئله حد ترخص نفس بعد و مقدار و اندازه و خفاء

ثابت نمی شود هلال به شهادت زنان و نه به شهادت یک عادل و لو به ضم قسم .

خوب این کلام صاحب عروة بود حالا روایات مربوط به این مسئله را إنشاء الله فردا می خوانیم و مورد بحث قرار می دهیم... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

جدران موضوعیت دارد نه رؤیت لذا کلام ما نقض نمی شود زیرا ما رؤیت را حد ترخص نمی دانیم بلکه عبور از آن مقدار و اندازه ای را که شارع مقدس ذکر کرده را حد ترخص می دانیم ، خلاصه اینکه هر کجا که حکم مترتب بر موضوع باشد اگر موضوع ثابت شود حکم هم ثابت می شود و در مسئله رؤیت هلال نیز که تشکل ماه به شکل هلال موضوع است اگر محقق شود اول ماه ثابت است چه ما آن را با چشم مسلح ببینیم و چه با چشم غیر مسلح ، خوب این دو مطلب مربوط به بحث رؤیت بود که خدمتتان عرض کردیم .

یکی دیگر از طرق ثبوت هلال ماه بینه شرعی می باشد ، صاحب عروة در این رابطه فرموده اند : « الخامس : البينة الشرعية وهي خبر عدلين سواء شهدا عندالحاكم وقبل شهداتهما أو لم يشهدا عنده أو شهدا و ردّ شهداتهما فكلّ من شهد عنده عدلان عنده يجوز بل يجب عليه ترتيب الأثر من الصوم أو الإفطار و لافرق بين أن تكون البينة من البلد أو من خارجه و بين وجود العلة في السماء وعدمها نعم يشترط توافقهما في الأوصاف فلو اختلفا فيها لا اعتبار بها نعم لو أطلقا أو وصف أحدهما و أطلق الآخر كفي ولا يعتبر اتحادهما في زمان الرؤية مع توافقهما على الرؤية في الليل ولا يثبت بشهادة النساء ولا يعدل واحد ولو مع ضمّ اليمين » . با شهادت عدلین به رؤیت هلال اول ماه ثابت می شود چه نزد حاکم شهادت دهند و حاکم قبول شهادت آنها را کند یا رد نماید و چه نزد خودش شهادت دهند که در این صورت جایز بلکه واجب است به مقتضای آن عمل کند (روزه یا افطار) و چه شاهد از أهل آن بلد باشد یا خارج بلد و چه در آسمان علتی از ابر یا بخار یا غبار بوده یا نه .

بلی ، معتبر است که شاهدین در اوصاف هلال متفق باشند پس با اختلاف در اوصاف ، اعتباری به شهادت آنها نیست .

بلی ، هر گاه هر دو مطلق شهادت دهند یا یکی از آنها مطلق و دیگری به اوصاف شهادت دهند کافی است و معتبر نیست که دیدن آنها در یک وقت باشد در صورتی که متفق باشند در رؤیت در شب .